

# نقد و مقایسه انسان فرهیخته سند تحول از منظر ابن سینا

© دکتر علی صحبت‌لو<sup>۱</sup>

## چکیده:

هدف اصلی این پژوهش، نقد و مقایسه انسان فرهیخته سند تحول از منظر ابن سینا بوده و برای دستیابی به این هدف، از روش پژوهش تطبیقی بهره گرفته شده است. مبانی فلسفی تربیت و ویژگیهای هر دو دیدگاه درباره انسان فرهیخته به‌طور تفصیلی و در قالب عناوین متعدد مطرح شده و مورد مقایسه قرار گرفته است. بررسی مواضع خلاف و وفاق نشان داد که مبانی فلسفی تربیت در هر دو دیدگاه با توجه به دین اسلام شکل گرفته است، در نتیجه در هر دو دیدگاه بنیادهای نظری در تربیت انسان فرهیخته آموزه‌های دینی و قرآنی است. بررسی مبانی فلسفی تربیت در هر دو نظام تربیتی نشان داد که تصویر انسان فرهیخته را نمی‌توان تنها ذیل مبحث مبانی انسان‌شناسی مشاهده کرد. در هر دو دیدگاه، هدف غایی از تربیت انسان فرهیخته رسیدن به قرب الهی ذکر شده است. از وجوه اشتراک انسان فرهیخته سینیوی و سند تحول می‌توان به ویژگیهایی همچون نگرش غیرابزاری به دانش، حرفه‌گرایی و اجتماعی بودن اشاره کرد و همین‌طور از وجوه افتراق آنها ویژگیهایی همچون تعقل، اراده و اختیار و ابعاد تربیت قابل ذکر است. در نظام تربیتی سینیوی تربیت عرفانی نقشی برجسته دارد. با توجه به امکان به‌کارگیری آرای ابن سینا در مورد انسان فرهیخته در نظام آموزشی ضروری است که در بازنگری و اصلاح مبانی نظری سند تحول نقاط اشتراک مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژگان: نقد، سند تحول، انسان فرهیخته، ابن سینا

✓ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۷

✓ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۷

۱. استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. AliSohbatlo@cfu.ac.ir

## مقدمه

برای هر نظام آموزشی ارائه تصویری از «انسان فرهیخته»<sup>۱</sup> دارای اهمیت بسیار است. شالوده و بستری که می‌توان اهداف تربیت را براساس آن پی‌ریزی کرد، مفهوم انسان فرهیخته است (نامی، ۱۳۸۴). فرهیخته<sup>۲</sup> در لغت به معنای ادب‌شده و مؤدب، ادب‌آموخته و ادیب است (فرهنگ معین، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۵۳۹). در فرهنگ انگلیسی آکسفورد فرهیخته به‌عنوان توصیف‌کننده رشد همه‌جانبه فرد به‌لحاظ اخلاقی، عقلانی و روحی در قرن نوزدهم ظاهر شده است (پیترز<sup>۳</sup> و هرست<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰؛ ترجمه کریمی، ۱۳۸۹: ۴۸).

بارو و وودز<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) معتقدند که «فرهیخته» واژه‌ای ارزشیابی‌کننده است که معمولاً برای تحسین به‌کار می‌رود. زمانی که صفت فرهیخته به‌کار برده می‌شود، مفهوم «جامعیت» به‌میان می‌آید، به این معنا که فرد دارای مجموعه‌ای از علوم است (مجتهدی، ۱۳۹۳). بنابراین انسان فرهیخته، انسانی است که در همه ابعاد تربیتی رشد یافته است.

درباره مفهوم انسان فرهیخته، دیدگاه‌های مطرح‌شده در چهار مقوله دیدگاه انتقال دانش<sup>۶</sup>، دیدگاه عقلانی<sup>۷</sup>، دیدگاه جامع یا یکپارچه<sup>۸</sup> و دیدگاه سؤال-محوری<sup>۹</sup> دسته‌بندی شده است (مهرمحمدی، ۲۰۰۴). در دوران معاصر از میان فیلسوفان تربیتی افراد شهیری مانند پیترز، هرست، نیومن<sup>۱۰</sup>، آرنولد<sup>۱۱</sup>، داونی<sup>۱۲</sup>، لاودفود<sup>۱۳</sup>، تelfer<sup>۱۴</sup> و مارتین<sup>۱۵</sup> به مسئله انسان فرهیخته پرداخته‌اند. این فلاسفه در حوزه تعلیم و تربیت شناخته شده‌اند و کتابها و مقالاتی درباره انسان فرهیخته از آنها منتشر شده است.

افراد زیادی نیز از میان فلاسفه اسلامی به مسئله «انسان فرهیخته» پرداخته‌اند، ولی بررسی همه آنها نیازمند زمانی طولانی است. پرداختن به همه آنها اگر ناممکن نباشد، بسیار سخت است. پس به‌ناچار برای انتخاب تعدادی از آنها ملاکهای معینی مانند بنیان‌گذار بودن، شاخص بودن و داشتن نظریه مرتبط با انسان‌شناسی در نظر گرفته شده است. از این رو، در این پژوهش به‌صورت نمونه از میان فیلسوفان اسلامی اندیشه‌های ابن‌سینا مورد مطالعه قرار گرفته است.

1. Educated man
2. Educated
3. Peters, R. S.
4. Hirst, P. H.
5. Barrow & Woods
6. The Knowledge Transmission View
7. The Rational View
8. The Integrated View
9. The Question Generation View
10. Newman, J. H.
11. Arnold, M.
12. Downie, R. S.
13. Loudfoot, E. M.
14. Telfer, E.
15. Martin, R. J.

ابن سینا در حکم یک فیلسوف - مربی مسلمان ویژگیها و معیارهایی را برای تربیت و در پی آن انسان فرهیخته عرضه کرده است. نگاه ما به گذشته برای بهبود شرایط امروز است و نگاه به قدما - ابن سینا - ظرفیتهای جدیدی را در حوزه تربیت می‌گشاید. بررسی دیدگاه سینوی می‌تواند امکاناتی تازه را برای رویارویی با مسائل تربیتی در دوران معاصر پیش‌روی پژوهشگران و مجریان نظام آموزشی قرار دهد. ابن سینا یکی از دو شخصیت برجسته فلسفه مشای اسلامی است که کاخ رفیع این فلسفه را برافراشت و کامل کرد (داودی، ۱۳۹۲). از سویی هم، در جهان اسلام در مقایسه با دیگر فلاسفه مسلمان (مانند فارابی، غزالی و ملاصدرا)، ابن سینا اولین فیلسوفی بوده که دربارهٔ تربیت به‌عنوان موضوعی مستقل اظهار نظر کرده است (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۷۰؛ صدیق، ۱۳۳۲؛ راوندی، ۱۳۸۳: ۱۶). او با تدوین رساله تدابیر المنازل - علاوه بر آنچه در کتب شفاء، قانون و اشارات در این مورد بیان کرده است - وارد جزئیات مسائل تربیتی شده است (کاردان و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۷۳).

در آموزش و پرورش ایران نیز موضوع انسان فرهیخته مورد نظر بوده است. در طرح کلیات نظام آموزش و پرورش ایران انسان فرهیخته «کسی است که اولاً بر اساس نظام ارزشی و فرهنگ حاکم و مقبول جامعه تربیت گردد و ثانیاً در رفع نیازهای ضروری و حیاتی جامعه خود کوشا باشد» (سند، ۱۳۶۷: ۲۶). همین‌طور در کلیات طرح تدوین سند آموزش و پرورش اشاره شده است که تربیت‌یافتگان نظام آموزشی در مسیر عبودیت گام برداشته و مهارتهای لازم در جهت کسب و کار در بازار پر رقابت جهانی را کسب نموده و خودشان را برای زیستن در قرن بیست و یکم آماده می‌کنند (سند، ۱۳۸۳: ۲). همچنین در افق بیست ساله (۱۴۰۴-۱۳۸۴)، انسان مطلوب کسی است که با بهره‌گیری و استفاده از فرصتها و امکانات نظام آموزشی بتواند با توجه به تغییر و تحولات آینده ویژگیها و مهارتهای لازم را برای زندگی کسب کند (اسناد پشتیبان نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹: ۲۹۵). در همه این اسناد تلاش شده است تا آرمان تربیتی نظام آموزشی از زوایای مختلف مورد کنکاش قرار گیرد و فرد تربیت‌شده متناسب با ویژگیهای ایرانی - اسلامی آماده شود.

در سند تحول نیز موضوع انسان فرهیخته مورد نظر قرار گرفته و این سند مهم‌ترین مرجعی است که مبانی، اهداف، اصول و روشهای تربیت در نظام آموزشی را اعلام می‌کند و می‌کوشد تا تصویر انسان تربیت‌شده و ویژگیهای او را بیان کند.

مرور پیشینه هم نشان داد که سند تحول تاکنون مورد مقایسه و نقدهای مختلفی قرار گرفته که هر یک از منظری ویژه بوده است. مزروقی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «نقد متدیک و تئوریک اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، سجادیه (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل تطبیقی اسناد نگاشته‌شده در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران» و حکیم‌زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی دیگر با عنوان «مبانی فلسفی برنامه‌های آموزش جهانی و مقایسه آن با مبانی فلسفی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران» آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آهنچیان (۱۳۸۳)

نیز به مقایسه فلسفه آموزش و پرورش اسلامی با فلسفه آموزش و پرورش مدرن پرداخته است. همچنین در مطالعه‌های دیگر، آهنجیان و طاهرپور (۱۳۹۰) به بررسی نشانه‌های مدرنیته در نظام آموزش و پرورش ایران پرداخته‌اند. در پژوهشی دیگر، زرغامی و همکاران (۱۳۹۰) مبانی فلسفی برنامه فلسفه برای کودکان با مبانی فلسفی تربیت در ایران را مورد مقایسه قرار داده‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده در عین لزوم، کافی نیستند. هنوز ابعاد مهمی از جهت‌گیری اسناد در مورد مباحث مربوط به تربیت انسان فرهیخته نیازمند مطالعه و بررسی است. در مطالعات انجام‌شده محورهای مورد مطالعه موضوعی بوده است در حالی که در این پژوهش، محورهای نقد و مقایسه مبتنی بر مبانی فلسفی، ویژگیها و مختصات انسان فرهیخته است. این پژوهش از لحاظ سطح و وسعت، معیارها و ویژگیهای مقایسه متمایز از تلاشهای پیشین است.

بر اساس مرور شواهد، در سند، مسئله میزان بسنده و شایسته توجه به «انسان فرهیخته» مورد تردید است. در سند ۹۰، تحت عنوان «انسان فرهیخته» نشانگانی مشاهده نمی‌شود، اما به مضمون نزدیک بدان یعنی «انسان مطلوب» و «انسان کامل» اشاره شده است. مفروضه‌های بنیادین سند تحول درباره انسان فرهیخته و چگونگی اجرایی شدن آن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

نقد انسان فرهیخته سند تحول بر اساس آرای ابن‌سینا از آن رو اهمیت دارد که افزون بر فراهم آوردن زمینه برای درک و فهم عمیق تعلیم و تربیت بومی و سنتی این مرز و بوم، نخستین گام و پایه اولیه تدوین نظریه تعلیم و تربیت ایرانی-اسلامی نیز هست (داودی، ۱۳۹۲).

براین اساس هر یک از مواضع ابن‌سینا در زمینه تربیت، می‌تواند مورد فلسفیدن و ژرفاندیشی قرار گیرد. آنچه توجه محقق را به خود جلب نموده، این واقعیت است که در اندیشه سینوی ایده‌های بسیار خوبی در حوزه تربیت قابل استنتاج بوده تا براساس آن تجویزاتی برای سند در حوزه انسان فرهیخته ارائه شود. مراجعه به سنت و تبیین آن-دیدگاه سینوی-جهت ترمیم سند تحول صورت می‌گیرد. مراجعه به آرای ابن‌سینا این پیام را دربر ندارد که سند تحول ملزم به انطباق شاکله نظری خود با انسان فرهیخته او بوده است. رویکرد ما در این پژوهش، رویکرد ایجابی است. از این رو، دغدغه اصلی این پژوهش کمک به برطرف شدن ایرادات سند تحول است. در نقد موردنظر، همپوشانیها و نکات چالشی پیدا خواهد شد که می‌توانند به سیاستگذاران سند تحول در بازنگری و اصلاح برنامه‌های آموزشی یاری برسانند.

## سؤالات پژوهش

پرسشهای اساسی پژوهش عبارت‌اند از: اولاً، انسان فرهیخته ابن‌سینا بر چه مبانی فلسفی تربیت استوار است و دارای چه ویژگیهایی است؟ ثانیاً انسان فرهیخته در سند تحول بر چه مبانی فلسفی تربیت استوار است و دارای چه ویژگیها و مختصاتی است؟ و ثالثاً در مقایسه میان این دو دیدگاه، چه تفاوتها و مشابهتهایی وجود دارد؟

## ■ روش پژوهش

با توجه به اینکه در این پژوهش، قصد نقد و مقایسه انسان فرهیخته سند تحول از منظر ابن سینا مدنظر بوده است، برای دستیابی به این هدف، از روش پژوهش تطبیقی بهره گرفته شده است. مطالعه تطبیقی به دنبال شناخت یک پدیدار یا دیدگاه در پرتو مقایسه (توصیف و تبیین مواضع خلاف و وفاق) است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵: ۲۹۴). لذا به منظور استخراج مشترکات و تمایزها و برای پاسخ به سؤالات، استفاده از سند تحول (۱۳۹۰) و آثار ابن سینا (منابع دست اول) منطقی ترین راه است. در پژوهش حاضر به منظور شناسایی تصویر انسان فرهیخته در نظام آموزشی کشور، سند تحول به منزله مهم ترین سند معرف این نظام مورد توجه قرار گرفته است تا با مراجعه به آن، آرای ابن سینا درباره انسان فرهیخته مورد نقد و مقایسه قرار گیرد.

## ■ یافته‌های پژوهش

### ۱. انسان فرهیخته ابن سینا بر چه مبانی فلسفی تربیت استوار است و دارای

#### چه ویژگی‌هایی است؟

#### ۱-۱. مبانی فلسفی انسان فرهیخته ابن سینا

##### ۱-۱-۱. حوزه هستی‌شناسی

درباره محور هستی، اشاره شده که خداوند مبدأ هستی است و سراسر جهان هستی چون آیتی از خداوند است (الاشارات و التنبیها، شرح طوسی، ج ۳، ۱۳۷۳: ۲۸ - ۱۸). درباره حاکمیت نظام علیت بر جهان هستی اشاره شده که خداوند آفریننده جهان هستی است (الاشارات و التنبیها، ترجمه ملک‌شاهی، ۱۳۹۰: ۲۴۶). درباره غایت‌مندی در نظام هستی اشاره شده که خداوند جهان هستی را براساس هدف و مقصدی آفریده است (التعلیقات: ۲۹۲). درباره مراتب هستی اشاره شده که موجودات دارای مراتب وجودی مختلف‌اند و دارای سلسله‌مراتب در نظام هستی هستند (رساله‌العرشیه: ۳۳۷-۳۳۶) و در نظام هستی سعادت دنیوی و اخروی هر دو مورد توجه است (طاهری، ۱۳۹۱: ۲۳). در جهان هستی نبی و معصومین (ع) نقش مهم و اساسی دارند (دانشنامه علائی: ۱۴۵). درباره پاسخ‌گویی دین در نظام هستی اشاره شده که دین به همه مسائل فردی و اجتماعی می‌پردازد (نصر، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۲). همچنین بیان شده که دگرگونی و حرکت در هستی حاکم است (النجات: ۳۳۶-۳۳۰). در فلسفه ابن سینا، افزون بر موجودات عالم طبیعت، عوالم دیگری نیز در تعلیم و تربیت انسان فرهیخته مؤثرند که در تربیت او باید مورد توجه قرار گیرند.

##### ۱-۱-۲. معرفت‌شناسی

درباره انواع معارف اشاره شده که انسان در هستی، به دنبال کسب معارف و علومی است که او را به سعادت و نیکبختی برساند (الشفاء، الطبیعات، النفس: ۴۱ - ۳۷). درباره ابزارهای کسب معرفت بیان شده

که عقل و استدلال، شهود و عرفان ابزارهای کسب معرفت انسان است (برهان شفا، ترجمه قوام‌صفری، ۱۳۷۳: ۳۱۷). درباره معیار صدق معرفت اشاره شده که معیار درست و حقیقی معرفت، میزان انطباق آن با حقیقت مطلق (خداوند) است (ترجمه ملکشاهی، ۱۳۹۰: ۴۱۴). درباره نسبی یا مطلق بودن معرفت، در آثار ابن‌سینا، به این موضوع اشاره مستقیم نشده است، اما امکان و وجود شناخت یقینی برای انسان وجود دارد (الشفاء، الطبيعات، النفس: ۳۸). بنابراین، انسان فرهیخته سینوی در پی کسب معارف و علمی است که او را به سعادت و نیکبختی برساند.

### ۱-۳. ارزش‌شناسی

مؤلفه‌های حوزه ارزش‌شناسی عبارت‌اند از: سعادت بالاترین هدف غایی برای انسان محسوب می‌شود (زیباکلام و حیدری، ۱۳۸۷: ۱۰۱)؛ سعادت واقعی، قرب به حق تعالی است که دیگر غایات در برابر آن ناچیز هستند (رسائل، ۱۳۹۱: ۲۶۱-۲۶۰)؛ سعادت واقعی هم با به کمال رسیدن قوه عقل نظری و عملی قابل‌دستیابی است (الاشارات والتنبیهات، ترجمه ملکشاهی، ۱۳۹۰: ۴۱۴)؛ انسان موجودی با اراده و اخلاق او تغییرپذیر است (رساله فی‌الاخلاق: ۲۶۸ - ۳۷۳)؛ انسان فرهیخته جمیع صفات و اوصاف واجب‌الوجود را داراست؛ ارزشها دارای سلسله‌مراتب هستند (الاشارات والتنبیهات، ترجمه ملکشاهی، ۱۳۹۰: ۴۱۵)؛ ارزشهای فردی و اجتماعی هر دو در رسیدن به سعادت مورد تأکید هستند (همان: ۴۱۵). خیر و شر در انسان نسبی هستند (همان: ۴۱۷) و اعتبار ارزشها از طریق عقل و فطرت صورت می‌گیرد (شفا، الهیات: ۴۲۹). درباره جایگاه هنر و زیبایی‌شناسی، اشاره شده که انسان گرایش فطری به زیبایی و کمال دارد و زیبایی امری عینی است (النجاه: ۵۹۰)؛ واجب‌الوجود مبدأ همه زیبایی عالم هستی است (المبدأ والمعاد: ۴۹)؛ هر موجودی به فراخور استعداد خود از زیبایی برخوردار است (رساله فی‌العشق: ۳۸۷). بنابراین در مبانی معرفت‌شناسی سینوی، ارزشهای معنوی برتر از ارزشهای دنیوی هستند و هسته اصلی تربیت، حاکمیت عقل بر همه اعمال و رفتار انسان فرهیخته است.

### ۱-۴. انسان‌شناسی

سرانجام در قلمرو انسان‌شناسی انسان فرهیخته ابن‌سینا بر مفاهیم ذیل استوار است: تجرد و اصالت روح؛ بقای روح پس از مرگ؛ رابطه متقابل جسم و جان (نجات: ۲۶۰-۲۵۸)؛ دریافت فیض از عقل فعال عالم قدس (الاشارات والتنبیهات، ترجمه ملکشاهی، ۱۳۹۰: ۴۴۰)؛ سلسله‌مراتبی بودن هستی و تقسیم قوای انسان (همان، ج ۱: ۳۷۲)؛ برتری لذایذ معنوی و عقلی بر لذایذ جسمانی و شهوی (همان: ۴۱۸)؛ کمال نهایی انسان، در راهیابی به مرتبه عقل مستفاد (شفا، طبیعات، نفس: ۴۰)؛ برخوردار بودن نفس از قوای نفسانی متعدد (الاشارات والتنبیهات، ج ۲: ۳۵۷-۳۵۲)؛ معیت و همراه بودن نفس و بدن در پیدایش (المبدأ والمعاد: ۹۳)؛ برتری عقل نسبت به سایر قوای انسانی (تدبیر منزل: ۴)؛

متفاوت بودن افراد از حیث عقول (همان: ۴)؛ برجستگی وجه عرفانی در رساندن انسان به کمال نهایی (الاشارات والتنبیها، ترجمه ملک‌شاهی، ۱۳۹۰: ۴۳۹)؛ برخورداری انسان از ویژگی اراده و اختیار (همان؛ ج ۱: ۴۹۲-۴۱۵)؛ اجتماعی بودن انسان (شفاء الهیات؛ نفس: ۱۸۳-۱۸۱). براساس مبانی انسان‌شناسی سینوی، انسان موجودی با دو بعد مادی و روحانی است. در تربیت انسان فرهیخته هر دو بعد باید مورد توجه قرار گیرند.

## ۲-۱. انسان فرهیخته سینوی و ویژگی‌های آن

### ۱-۲-۱. هدف غایی

هدف تربیت سینوی «تربیت شهروندانی درستکار و دارای سلامت روحی و جسمی و آماده‌کردن آنها برای انجام برخی کارهای فکری و عملی است» (تسع الرسائل: ۷). النقیب<sup>۱</sup> (۱۹۹۳: ۶۰) هدف تربیت از دید ابن‌سینا را رشد همه‌جانبه فرد تلقی کرده است. جاویدی‌کلاته (۱۳۸۴: ۲۱) برای تربیت از دید ابن‌سینا سه هدف عقلانی، اخلاقی و بدنی قائل شده است. زیباکلام و حیدری (۱۳۸۷: ۹۵) هدف غایی تربیت از دید ابن‌سینا را قرب الهی بیان کرده‌اند. بنابراین در نظام تربیت سینوی همه تلاش‌ها برای رسیدن به سعادت یعنی نزدیکی به خداست.

### ۱-۲-۲. اهداف واسطی

۱-۲-۲-۱. جسمانی: ابن‌سینا در باب بهداشت و تربیت جسم از زمان تولد تا بزرگسالی، به تفصیل بحث کرده، ورزش و نوع تغذیه و کیفیت آن را در این زمینه مؤثر دانسته و درباره نوع ورزش و غذایی که عامل قوت و سلامت بدن است، سخن گفته است (قانون: ۵۶۴). از دیدگاه او، هدف اساسی رعایت بهداشت آن است که بیشترین کوشش را تا حد امکان در نگهداری اعتدال عوامل در صحت و سلامتی بدن به‌عمل آوریم (حاتمی و حیدری، ۱۳۹۸). بنابراین برای رسیدن به سعادت توجه به پرورش جسم مهم است و این امر نباید مورد غفلت مربیان و دست‌اندرکاران تربیتی قرار گیرد.

۱-۲-۲-۲. عقلانی: هدف تربیت عقلانی سینوی شامل پرورش قوه تعقل مربیان جهت شناخت نظم جهان و عقل کلی، ایجاد عادت به اندیشه‌ورزی در ذات امور جهان در مربیان، اعتدالی روحیه لذت‌بردن از کسب دانش و اندیشه‌ورزی، ایجاد عادت به مطالعه جدی و عمیق و پرورش عقل فعال است (زیباکلام و حیدری، ۱۳۸۷). از نگاه سینوی هدف از تربیت عقلی عبارت است از پرورش ذهن (صدیق، ۱۳۳۲)، لذا ابن‌سینا در جهت رسیدن به سعادت تربیت عقلانی را ضروری می‌داند.

۱-۲-۳. اخلاقی: ابن‌سینا انسان را موجودی با اراده و تغییر‌پذیر می‌داند. او منشأ پیدایش خلق را در نفس، عادت می‌داند و عادت را تکرار زیاد فعل، در مدتی طولانی و در شرایطی همسان تعریف می‌کند (رساله فی‌لاخلاق: ۳۷۳). بر اثر تکرار افعال حتی افعال نفسانی، چون غضب، تخیل و احساس، در نفس هیأتی پدید می‌آید که به آن خلق یا اذغان می‌گویند (الاشارات والتنبیها؛ ج ۲: ۳۰۶). به نظر ابن‌سینا ملاک فضیلت و ردیلت خلق، ملکه اعتدال است (شفاء الیهیات: ۴۲۹). از این رو، در نظام تربیت سینوی برای رسیدن به هدف غایی انسان فرهیخته بایستی از جنبه اخلاقی نیز واجد صفاتی باشند که مورد توجه او بوده است.

۱-۲-۴. هنری و زیباشناختی: ابن‌سینا سه امر را مقوم زیبایی تلقی می‌کند: داشتن نظم، تألیف و اعتدال که نتیجه این سه، حصول تناسب و هارمونی است (رساله فی‌العشق، ۱۹۵۳: ۱۷). «زیبایی خدا یعنی به‌گونه‌ای باشد که بر او ضرورت دارد، چنان باشد» (المبدأ و المعاد، ۱۳۶۳: ۳۶۸). وی به تعلیم شعر به کودک اشاره می‌کند. او تنها تعلیم اشعاری را مجاز می‌شمارد که به بیان فضیلت و ادب بپردازد و دانش را بستاید و نادانی را نکوهش کند. اشعاری که نیکی به والدین را توصیه کند و به انجام کارهای پسندیده ترغیب کند (قانون، ج ۱: ۱۵۷). بنابراین در تربیت انسان فرهیخته سینوی تعلیم شعر و توجه به زیباییهای طبیعت مورد توجه خاص قرار گرفته است.

۱-۲-۵. اجتماعی: ابن‌سینا هدف از تربیت اجتماعی را وصول انسان به سعادت در دنیا و پس از مرگ، خودشناسی و تربیت و اصلاح نفس، ارضای نیازهای روحی فرد، اشتغال و درآمد از راه حلال و آمادگی برای تشکیل خانواده بیان می‌کند (تدبیر منزل: ۱ - ۱۵). پرورش حس مسئولیت نسبت به بیت‌المال، تربیت شاگردان برای فعالیت مفید در جامعه، ایجاد نگرش مثبت در شاگردان نسبت به اهمیت خانواده و ایجاد روابط صحیح در خانواده به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیت اجتماعی از دید ابن‌سینا است (زیباکلام و حیدری، ۱۳۸۷: ۱۰۵). بر این اساس، هدف از تربیت اجتماعی ابن‌سینا تأمین سعادت جامعه، پایداری و تقویت بنیان خانواده و معاشرت صحیح و عقلانی در جامعه است.

### ۱-۳. چگونگی تربیت

در نظام تربیت سینوی تحقق اهداف میانی نیازمند اصول، روشها و مراحل تربیتی است که به آنها اشاره می‌شود:

#### ۱-۳-۱. اصول و روشها

در تربیت انسان فرهیخته سینوی «اصل خودشناسی و تربیت نفس، توجه به تفاوت‌های فردی، شناخت استعدادها و علائق و امکانات، تنظیم برنامه بر اساس مراحل رشد کودک و نوجوان و تقدم آموزش گروهی بر فردی» مورد توجه قرار گرفته است (تدبیر منزل: ۳۵). همچنین او برای تربیت



کودک سه روش تهدید، ترغیب و مذمت را مورد تأکید قرار می‌دهد. ابن سینا می‌گوید: «برای نائل شدن به این مقصود، کسب اخلاق نیک و پسندیده و دوری از رذایل مری باید گاهی تهدید و گاهی ترغیب نماید و هنگامی به ستودن و زمانی به مذمت روی آورد» (تدبیر منزل: ۴۴).

### ۱-۳-۲. مراحل تربیتی

از منظر سینوی مراحل تربیت عبارت‌اند از: «مرحله اول، پس از بازگیری از شیر مادر (تأدیب و بهسازی اخلاق کودک)؛ مرحله دوم، از حدود شش سالگی (تعلیم قرآن و معارف دینی)؛ مرحله سوم، پس از آموزشهای ابتدایی (انتخاب حرفه و شغل متناسب با استعدادهای فراگیر)؛ مرحله چهارم، پرداختن به کار و اشتغال (امرار و معاش و کسب روزی حلال) و مرحله پنجم، تشکیل خانواده (ازدواج)» (تدبیر منزل: ۴۲-۳۵). از این رو در نگاه سینوی کودک باید مراحل تربیتی را به‌نحو احسن، به‌طور کامل و با موفقیت با مریبان طی کند تا به اهداف عالی تربیتی برسد.

### ۱-۴. ویژگیهای انسان فرهیخته سینوی

سیمای انسان فرهیخته سینوی با ویژگیهایی همچون خردمندی، دینداری، زیرکی، بامحبت بودن، مطیع بودن، پاکدامن بودن، وزین و سنگین بودن، باوقار بودن، باهویت بودن، باایمان بودن، خوش‌اخلاق بودن، تندرست و سالم بودن، باسواد بودن و صاحب حرفه بودن معرفی شده است (تدبیر منزل: ۸-۵۵). انسان فرهیخته سینوی، شهروندی درستکار، برخوردار از سلامت روحی و جسمی و آماده برای انجام دادن کارهای فکری و عملی است. چنین انسانی، نه تنها در جنبه‌های جسمی و اخلاقی تربیت یافته است، بلکه او دارای یک سری قابلیتها و تواناییهایی است که ضمن برطرف کردن مشکلات فردی، در زمینه‌های اجتماعی نیز مشارکت دارد.

## ۲. انسان فرهیخته سند تحول بر چه مبانی فلسفی تربیت استوار است؟ ویژگیها و مختصات اصلی او چیست؟

### ۱-۲. مبانی فلسفی تربیت انسان فرهیخته سند تحول

#### ۱-۱-۲. هستی‌شناسی

مباحث اساسی مبانی هستی‌شناسی انسان فرهیخته سند تحول شامل موارد زیر است: واقعیت جهان هستی و منحصر نبودن هستی به طبیعت؛ خداوند مبدأ، مالک، مدبر و رب همه جهان، غایت‌مندی آفرینش هستی و غایت بودن خداوند، تسلط نظام علیت بر هستی و حاکمیت اراده خداوندی بر نظام احسن هستی و محدودیت و فناپذیری دنیا (سند، ۴۹-۷۹). این مباحث در تعلیم و تربیت و انسان فرهیخته نظام آموزشی دخیل اند. اینکه چگونه این گزاره‌های خبری در عرصه تعلیم و تربیت، در بیان اهداف و اصول، روشها و مراحل تربیت قابلیت تحقق یافتن دارند، با چالش اساسی مواجه است.

## ۲-۱-۲. معرفت‌شناسی

در سند تحول، مباحث اساسی ذیل به منزله مبانی معرفت‌شناسی در تربیت انسان فرهیخته مطرح شده‌اند: انسان نسبت به شناخت هستی و درک موقعیت خود و دیگران در هستی توانایی دارد، علم انسان دارای اقسام حقیقی و اعتباری است و مراتب و سطوح مختلف دارد، علم درعین ثبات دارای پویایی است، آدمی منابع و ابزار شناخت متعددی در اختیار دارد که مکمل یکدیگرند، انسان هم در مقام نظر و هم در عرصه عمل از توانایی تعقل در شناخت حقیقت هستی برخوردار است، شناخت آدمی با موانع و محدودیتهایی همراه است (سند: ۷۷-۸۷).

## ۲-۱-۳. انسان‌شناسی

مبانی انسان‌شناسی انسان فرهیخته سند تحول عبارت‌اند از: انسان مخلوق خداوند و موجودی مرکب از جسم و روح است. حقیقت انسان، روح اوست. انسان مجموعه‌ای از استعدادها و تواناییهاست و به‌عنوان اشرف مخلوقات هستی از قدرت تفکر و تعقل برخوردار است. او موجود برگزیده خداوند است؛ موجودی اجتماعی است، دارای اراده و اختیار بوده و در مقابل کارهایش مسئول است (همان: ۵۷-۷۷).

## ۲-۱-۴. ارزش‌شناسی

مبانی ارزش‌شناسی انسان فرهیخته سند تحول عبارت‌اند از: «قرآن، مبانی دین اسلام و آموزه‌های ائمه اطهار (ع)، قانون اساسی، سند چشم‌انداز، رهنمودها و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در تربیت چنین انسانی به‌عنوان منبع تعیین ارزش در نظر گرفته شده است. ارزشها ثابت، مطلق و غیروابسته به افراد هستند، دارای سلسله‌مراتب هستند. مقولات ارزشی نظیر تولی و تبری، اعتدال، عدالت، رأفت، احسان، گذشت و بخشش در تربیت انسان فرهیخته مورد توجه بوده است (سند: ۸۷-۱۰۶).

## ۲-۲. ویژگیهای اصلی انسان فرهیخته سند تحول

در سند اهداف تربیتی در قالب هدف غایی، اهداف واسطی و ساحت‌های تربیتی مورد بحث واقع شده است.

### ۲-۲-۱. هدف غایی

هدف غایی بر اساس سند تحول «دستیابی متربی به مراتبی از قرب الی‌الله، خلافت‌الهی، عبودیت خدا و حیات طیبه» بیان شده است. هدف غایی، الهام‌بخش و جهت‌دهنده به اهداف کلی و تفصیلی برنامه‌های درسی است (سند: ۳۳). بنابراین هدف غایی تربیت در سند تحول دستیابی متربی به مراتبی از حیات طیبه است.

## ۲-۲-۲. اهداف واسطی

به‌منظور تحقق‌پذیری هدف غایی، نیازمند اهداف واسطی هستیم که در سند تحول از آنها تحت‌عنوان ساحت‌های ششگانه تربیت دینی و اخلاقی، تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تربیت علمی و فناوری، تربیت هنری و زیبایی‌شناختی نام برده شده است.

## ۲-۳. چگونگی تربیت

در سند تحول عوامل، ارکان و اصول تربیت انسان فرهیخته عبارت‌اند از:

### ۲-۳-۱. عوامل

عوامل اجتماعی مؤثر بر فرایند تربیت، طیف وسیعی از نهادها، سازمانها، بنگاه‌ها و گروه‌های رسمی یا غیررسمی فعال در جامعه را دربر می‌گیرند. این عوامل و نهادها شامل خانواده، سیاست، دین، فرهنگ، رسانه، جامعه محلی، مدنی و اقتصادی، تأمین خدمات عمومی و رفاه اجتماعی و سلامت و تندرستی است (سند: ۱۷۰-۱۷۱).

### ۲-۳-۲. ارکان فرایند تربیت

در سند تحول ارکان فرایند تربیت به‌ترتیب خانواده، حکومت، رسانه و نهادها و سازمانهای غیردولتی ذکر شده است (همان: ۱۸۳-۱۷۴). در سند تحول به‌صراحت بیان شده که «حکومت اسلامی، دولت زمینه‌ساز حیات طیبه است، دولت اسلامی زمینه‌ساز حرکت عموم مردم در جهت تحقق حیات طیبه است». سند نقش دولت را در تربیت چنین انسانی پررنگ نشان داده، هر چند به نقش خانواده اشاره شده است، اما در این میان دولت-محوری در تربیت انسان فرهیخته موج می‌زند.

### ۲-۳-۳. اصول تربیت

در سند تحول اصول تربیت شامل توجه به نظام معیار اسلامی، اولویت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تدریجی بودن تربیت و مراثی بودن آن، عقل‌ورزی، اعتدال، عدالت تربیتی، یکپارچگی و انسجام، تعامل همه‌جانبه، مشارکت و هماهنگی است (سند: ۱۸۳-۱۹۲). شناخت هر یک از این اصول تربیتی برای مربیان و دیگر دست‌اندرکاران فعالیتهای تربیتی در تربیت انسان فرهیخته ضرورت دارد. همه این اصول بر کل جریان تربیت سایه خواهد افکند.

در این قسمت، به تطبیق هر دو نظام تربیتی در قالب اهداف، اصول و روشهای تربیتی پرداخته شده است.

## ۲-۴. نقاط اشتراک و افتراق سند تحول و دیدگاه ابن سینا در ابعاد تربیت (اهداف،

### اصول و روشهای تربیتی)

### ۲-۴-۱. تشابهات

۲-۴-۱-۱. هدف تربیت: در هر دو دیدگاه، هدف تربیت رسیدن انسان به قرب الهی بیان شده است. هدف تربیت سینوی، تربیت شهروندانی درستکار و دارای سلامت روحی و جسمی و رشد

همه‌جانبه فرد، تربیت عقلانی، اخلاقی و بدنی است (الرسائل، ۱۳۹۱؛ النقیب، ۱۹۹۳ و جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۸۴). هدف غایی تربیت از دید ابن‌سینا قرب الهی است (زیباکلام و حیدری، ۱۳۸۷). بنابراین در نظام تربیت سینوی تمام تلاشها برای رسیدن به سعادت یعنی نزدیکی به خداست. همچنین نقطه اتکا و کانون توجه سند تحول بر مفهوم حیات طیبه بوده است و «ساختهای ششگانه (تربیت دینی و اخلاقی، تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تربیت علمی و فناوری، تربیت هنری و زیبایی‌شناختی)» جهت رسیدن به حیات طیبه به‌عنوان اهداف میانی در نظر گرفته شده است (سند، ۱۳۹۰: ۱۵۱-۱۶۱). در نتیجه، هدف غایی و اهداف واسطی تربیت دینی میان دیدگاه سینوی و آنچه در سند تحول گفته شده یکسان است و تعارضی در آنها نیست.

**۲-۴-۱-۲. اصول تربیت:** در هر دو نظام تربیتی بر رعایت قواعد و دستورات عملیهای تربیت تأکید شده است. اصول تربیت از منظر سینوی شامل «اصل خودشناسی و تربیت نفس، توجه به تفاوت‌های فردی، شناخت استعدادها و علائق و امکانات، تنظیم برنامه بر اساس مراحل رشد کودک و نوجوان و تقدم آموزش گروهی بر فردی» است (تدبیر منزل: ۳۴؛ رسائل، ۵۱۴۰۰: ۴۴۹؛ دانشنامه علایی، ۱۳۶۰: ۳۶۰). در سند تحول اصول تربیت شامل «توجه به نظام معیار اسلامی، اولویت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تدریجی بودن تربیت و مراتبی بودن آن، عقل‌ورزی، اعتدال، عدالت تربیتی، یکپارچگی و انسجام، تعامل همه‌جانبه، مشارکت و هماهنگی و...» است (سند: ۱۸۳-۱۹۲). شناخت هر یک از این اصول تربیتی برای مربیان و دیگر دست‌اندرکاران فعالیتهای تربیتی در تربیت انسان فرهیخته ضرورت دارد. همه این اصول بر کل جریان تربیت سایه خواهد افکند.

## ۲-۴-۲. تمایزات

**روش آموزش:** ابن‌سینا به انسان بیشتر از زاویه عقل می‌نگریسته و گوهر انسان را همان عقل او می‌دانسته است. انسان تربیت‌یافته به عقیده ابن‌سینا، «انسانی است که عقلش به کمال رسیده است و عقل او بر همه غرایز و همه قوا و نیروهای وجودی غلبه دارد. انسانی که در فکر کردن به حد کمال رسیده است» (الشفاء: ۳۷۱-۳۶۲). یعنی جهان و هستی را چنان که هست دریافته و کشف کرده است. با توجه به رویکردهای تربیت (عادت، عقلانیت و شهود) می‌توان چنین استنباط کرد که ابن‌سینا، بیشتر در پی تربیت انسان عقل‌گرایانه است. در نتیجه می‌توان چنین تفسیر کرد که از نظر ابن‌سینا روش آموزش بیشتر مبتنی بر عقل است و از همان دوره کودکی شیوه صحیح تفکر و اندیشه‌ورزی باید به کودک آموزش داده شود تا کودک با درک و فهم صحیح آموزه‌های دینی را انتخاب کند. اما در سند ترکیبی از «روشهای گوناگون عقلی و نقلی و شهودی» مورد توجه قرار گرفته است (سند: ۸۶-۷۷).

تطبیق هر دو نظام تربیتی در قالب اهداف، اصول و روشهای تربیتی (اشتراکات و افتراقات آنها)

نشان داد که ابن سینا هدف غایی تربیت را رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت دانسته است و سند تحول نیز حیات طیبه را به عنوان هدف غایی تربیت می‌داند. تمرکز بر توانمندیهای انسان با توجه به نظام معیار اسلامی و توجه به تفاوت‌های فردی، شناخت استعدادها و علائق متریبان از اصول تربیت انسان فرهیخته است که در هر دو دیدگاه بر آن تأکید شده است. اما با وجود چنین اشتراکاتی، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. در سند تحول روش آموزش متکی بر روش‌های گوناگون عقلی، نقلی و شهودی ولی در نگاه سینوی روش آموزش بیشتر مبتنی بر عقل است.

## ۲-۵. ویژگی‌های اصلی انسان فرهیخته سند تحول

مرور سند نشان داد که نتیجه فرایند تربیت، آماده شدن افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، در مسیر قرب الی الله است (سند: ۱۵۱). انسان تربیت شده سند، «انسانی مومن و متخلق به اخلاق اسلامی، پرسشگر و فکور، خلاق و کارآفرین، سالم و با نشاط، انتخاگر و آزادمنش، قانون‌گرا و نظم‌پذیر، عدالت‌خواه و صلح‌جو، وطن‌دوست، استقلال طلب و ظلم‌ستیز، جمع‌گرا، خودباور و مقتصد، امیدوار و منتظر، دانا و توانا، شجاع و ایثارگر، پاکدامن و باحیاء، مسئولیت‌پذیر و وظیفه‌شناس و آماده ورود به انواع تربیت تخصصی و شغلی برای زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی» است (سند، ۱۳۹۰). به این ترتیب در سند، هدف کلی تربیت یعنی آمادگی فردی و جمعی متریبان برای تحقق بخشیدن به حیات طیبه در همه ابعاد و مراتب است.

## ۳. در مقایسه میان دو دیدگاه درباره انسان فرهیخته چه تفاوت‌ها و تشابهاتی وجود دارد؟

### ۳-۱. مقایسه مبانی فلسفی انسان فرهیخته

#### ۳-۱-۱. مبانی هستی‌شناسی

در هر دو دیدگاه، مباحث واقعیت جهان هستی، غایتمندی، حاکمیت نظام علیت بر هستی و دگرگونی در هستی مورد توجه قرار گرفته است. در سند تحول مبحث دین‌شناختی به صورت مجزا از هستی‌شناسی و تحت عنوان مبانی دین‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است (سند: ۱۰۶)، اما در فلسفه ابن سینا در مبانی هستی‌شناسی در مبحث مابعدالطبیعه باهم مورد بررسی قرار گرفته است (الاشارات و التنبیهات؛ ج ۲: ۴۲۹). در سند در ذیل مباحث اساسی هستی‌شناسی نمی‌توان به ترسیم سیمای انسان فرهیخته پرداخت. در سند هماهنگی میان مباحث مطرح شده در هستی‌شناسی دیده می‌شود (سند: ۵۶). فلسفه هستی‌شناسی سند متأثر از فلسفه صدرایی است، ولی فلسفه هستی‌شناسی ابن سینا متأثر از فلسفه ارسطو-واقع‌گرایی-اشاره به محدودیت، پایان‌پذیری و فناشدنی جهان طبیعت و همه واقعیت‌های هستی از نقاط قوتی است که در سند به آن پرداخته شده است.

### ۳-۱-۲. مبانی انسان‌شناسی

با بررسی هر دو دیدگاه در حوزه انسان‌شناسی، در سطح نظری تفاوت‌های ظاهری با هم نداشتند، اما در جزئیات وجه تمایزاتی میان آنها وجود دارد. ابن‌سینا بر معیت و همراه بودن جسم و روح تأکید دارد (التعلیقات: ۸۱). در نگاه ابن‌سینا، تعیین سرنوشت انسان بر اساس نوع اعمال و رفتار او در دنیا بیان شده است (شفاء، الهیات، نفس: ۱۸۱). در سند تحول هم اشاره شده که انسان، افزون بر سعادت دنیوی به سعادت اخروی هم نیازمند است (سند: ۷۶). در هر دو دیدگاه هدف غایی تربیت کمک به مرتبه برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی است. براساس سند دستیابی به مراتبی از حیات طیبه بدون استعانت از مصادیق حقیقی انسان کامل امکان‌پذیر نیست (همان: ۱۱۶). در سند بیشتر تصویر انسان کامل و ویژگیهای او بیان شده و حالت انتزاعی داشته است و دسترسی به آنها برای همگان امکان‌پذیر نیست.

### ۳-۱-۳. مبانی معرفت‌شناسی

ابن‌سینا در قلمرو معرفت‌شناسی، انسان فرهیخته را در گستره هستی می‌نگرد، اما در سند به این موضوع توجه جدی نشده است. براساس سند «انسان نسبت به شناخت هستی و درک موقعیت خود در هستی توانایی دارد» (سند: ۷۸)، اما مشخص نشده چگونه و با چه ابزارهایی چنین انسانی تربیت می‌شود و راهکار لازم ارائه نشده است.

در دیدگاه ابن‌سینا، «عقل فعال» سرچشمه همه معلومات و معارف عقلی بشر است و این عقل فعال بر جبرئیل و فرشته وحی نیز تطبیق داده شده است (ابن‌سینا، ترجمه قوام صفری، ۱۳۷۳: ۵۸۴). در سند بنیانهای معرفت‌شناسی هم براساس رویکرد فلسفی و هم براساس آیات قرآنی و برخی روایات اسلامی پایه‌گذاری شده است (سند: ۸۲-۸۵).

ابن‌سینا ضمن توجه به عقل به‌عنوان یک منبع شناخت اساسی انسان، تربیت عرفانی را در تربیت انسان فرهیخته پررنگ دیده است (الاشارات والتنبیها، ترجمه ملک‌شاهی، ۱۳۹۰: ۴۴۷)، اما در سند به تربیت عرفانی توجه چندانی نشده است.

ابن‌سینا معتقد است که رشد و پیشرفت همه متریبان به یک اندازه نیست. در سند هم بر موانع و محدودیت‌های شناخت آدمی اشاره شده است (سند: ۸۶). هر انسان به قدر توان و استعداد و میزان تلاش و خلاقیت فکری خود از معارف بهره می‌گیرد. دستیابی به مراتبی از حیات طیبه براساس استعداد و میزان کوشش افراد خواهد بود. این موضوع در سند مورد توجه جدی قرار نگرفته است.

### ۳-۱-۴. مبانی ارزش‌شناسی

در هر دو دیدگاه، منبع تعیین ارزش‌ها در تربیت انسان فرهیخته آموزه‌های دینی و قرآنی است. در هر دو دیدگاه، افراد با توجه به شایستگیهای فردی می‌توانند به درجاتی از مقولات ارزشی نائل شوند. از نگاه ابن‌سینا، قاعده حد وسط، معیاری برای شناسایی فضایل است (شفاء، الهیات: ۴۲۹). قاعده‌ای که

مطابقت رفتار با عقل و شرع را مورد توجه قرار می‌دهد، اما در سند اعتبار و معیار ارزشها هم از طریق «عقل و فطرت انسانی» و هم با مراجعه به «نظام معیار دینی» معلوم می‌شود (سند: ۸۹).

در سند اشاره شده که ارزشمند دانستن هر عمل، هم تابع حسن فعلی و هم وابسته به حسن فاعلی است (همان: ۹۲). در سند عمل به دستوره‌های اخلاق و تخلق به فضایل در صورتی ارزشمند است که سبب تحقق‌پذیری حیات طیبه و به نیت الهی انجام شود. در حالی که براساس تربیت سینوی، این رفتار با این نیت که موجب سعادت انسان و برای سعادت‌مندی انسان است کافی است و اخلاص در این میان جایگاه ندارد (رسائل، ۱۳۹۱: ۲۶۱-۲۶۰).

از نظر ابن‌سینا، اخلاق هم جنبه فردی دارد و هم اجتماعی (رساله فی‌لاخلاق: ۳۷۰). در سند هم اشاره شده که حیات طیبه همه ابعاد فردی و اجتماعی را دربر می‌گیرد و در ارتباط و تعامل با همدیگر و با محوریت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی محقق می‌شود (سند: ۱۲۲). در سند مقولات ارزشی مانند تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر، اعتدال، عدالت، رأفت، احسان، گذشت و بخشش بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (سند: ۸۷-۱۰۵) و حوزه دیگر ارزشها توجه به هنر و زیباشناسی در تربیت انسان فرهیخته در حاشیه قرار گرفته است.

### ۲-۳. مقایسه ویژگیهای انسان فرهیخته

برای اینکه بدانیم انسان فرهیخته چه ویژگیهایی دارد، شاخصهایی وجود دارند که می‌توانند در جهت شناسایی چنین انسانی پیشگامی و رهبری کنند. برخی از این شاخصها و ویژگیها را فلاسفه تعلیم و تربیت مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین با توجه به مطالعه مبانی نظری (دیدگاههای مطرح‌شده در مورد ویژگیهای انسان فرهیخته) و همچنین مطالعه و بررسی مبانی فلسفی و اهداف تربیت از نگاه سینوی و سند تحول می‌توان به تعیین شاخصها و مجموعه خصوصیات انسان فرهیخته پرداخت. لذا مبنای مقایسه بر اساس ملاکها و معیارهایی بوده که از مبانی فلسفی و اهداف تربیتی هر دو دیدگاه استنتاج شده است که به‌صورت خلاصه به آنها اشاره می‌شود.

#### ۱-۲-۳. تشابهات

۱-۲-۳-۱. نگرش غیرابزاری به دانش: در هر دو دیدگاه بر داشتن نگرش غیرابزاری به دانش به‌عنوان یکی از ویژگیهای انسان فرهیخته مورد تأکید است. ذیل مبانی ارزش‌شناسی سند (۱۳۹۰) اشاره شده است که «شایستگیهای کسب‌شده باید مفید و سودمند باشند؛ یعنی در راستای غایت و هدف تربیت و همچنین متناسب با نیازها و مرتبط با زندگی یادگیرندگان باشند و به آنها کمک کنند تا مستمراً به شناخت و عمل برای اصلاح و بهبود موقعیت خود و دیگران بپردازند» (سند: ۳۱۲). ذیل مبانی ارزش‌شناسی سینوی این‌گونه بیان شده است که «سعادت حقیقی عبارت از امری است که ذاتاً مطلوب است و به دلیل خودش گزینش می‌شود و مسلم است آنچه مطلوب

با لذات است و امور دیگر نیز به سبب آن مطلوب واقع می‌شود، برتر از امری است که به دلیل چیزهای دیگر طلب می‌شود» (مجموعه رسائل: ۲۶۱ - ۲۶۰) و «کامل‌ترین نوع سعادت، بهجت و سرور تعقلی است که به واسطهٔ دوری از علائق مادی و گرایش به عالم قدس، به دست می‌آید» (اسفراینی‌نیشابوری، ۱۳۸۳: ۵۱۲). در هر دو دیدگاه انسان فرهیخته، کسی است که می‌تواند بسیاری از کارها را به خاطر خود آنها انجام دهد، بدون این که از خود بپرسد، فایده و نتیجهٔ آن چه خواهد شد.

**۳-۲-۱-۲. حرفه‌آموزی:** در هر دو نگاه، انسان فرهیخته باید به حرفه مفید و مورد نیاز جامعه بپردازد و توجه به استعداد طبیعی و شایستگیهای لازم در تربیت حرفه‌ای مورد تأکید است. ذیل مبانی انسان‌شناسی سند اشاره شده که ساحت «تربیت اقتصادی و حرفه‌ای» ناظر به بعد اقتصادی و معیشتی انسانهاست (سند: ۳۰۹). با قرائت سند از تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، افراد به سمت رفع نیازهای فردی و اجتماعی سوق داده خواهند شد. در ذیل مبانی انسان‌شناختی سینوی نیز می‌توان چنین استنباط کرد که تربیت حرفه‌ای یکی از ضرورت‌های اجتماعی و انسانی است و بدون آن فرد و جامعه نمی‌تواند به سعادت برسد (داودی، ۱۳۹۲). «ابن‌سینا بر این باور است که ضرورت پاسخگویی به نیازهای انسان، سبب شده است که انسانها گردهم آیند و در رفع نیازهای یکدیگر بکوشند. وی مهم‌ترین نمود این همکاری را کار می‌داند (الهیات: ۴۸۷) که با پرداختن به آن، از یکسو نیازهای فرد عامل برطرف می‌شود و از سوی دیگر نیازهای دیگران (رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). ابن‌سینا حرفه‌های مورد نیاز جامعه را به سه دسته کلی حرفه‌های مربوط به مدیریت و اداره جامعه، حرفه‌های نظامی و فعالیتهای صنعتی متعارف مانند آهنگری، نجاری و کشاورزی تقسیم کرده است (الشفاء: ۴۴۷).

**۳-۲-۱-۳. اجتماعی بودن:** انسان فرهیخته سینوی هم مانند سند تحول از این نظر دارای وجه اشتراک است. ذیل مبانی ارزش‌شناسی سند اشاره شده که حیات طیبه همهٔ وجوه زندگانی شایسته‌آمی در ابعاد فردی و اجتماعی را براساس نظام معیار دینی دربر می‌گیرد. ساحت‌های ششگانه تربیتی کمابیش، هم در تحقق بعد فردی حیات طیبه و هم در دستیابی به بعد اجتماعی این نوع زندگانی، جلوه‌گر می‌شوند (سند: ۱۳۰). همچنین در سند تحول اشاره شده که بعد اجتماعی حیات طیبه ناظر به مفاهیم متعدد ارزشی نظیر تعاون و نیکوکاری، احسان و رأفت، اخوت، عدالت اجتماعی، رعایت حقوق، امر به معروف و نهی از منکر و توتلی است (همان: ۹۵). در سند، همان‌طور که اشاره شد هم فرد اهمیت دارد و هم جمع، هر دو اصالت دارند.

همین‌طور با توجه به مبانی انسان‌شناسی سینوی می‌توان گفت که او نه تنها تربیت را صرفاً جنبهٔ فردی نمی‌داند، بلکه آن را دارای وجهه و صبغهٔ اجتماعی می‌بیند (کاردان و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۷۴). ابن‌سینا اقتضانات زندگی اجتماعی انسان را می‌پذیرد. او نیازهای طبیعی و روحی که انسان را به زندگی اجتماعی وادار می‌کند شامل نیاز به غذا، مسکن، همسر و فرزند می‌داند (تدبیر منزل: ۱۲ - ۹).



بنابراین، آنچه ابن سینا درباره بعد اجتماعی گفته با آن چه در سند در این باره گفته شده منطبق است. در هر دو دیدگاه تربیت اجتماعی به عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های انسان فرهیخته مورد تأکید است.

**۳-۲-۱-۴. تفکر انتقادی:** ذیل مبانی انسان‌شناختی در هر دو دیدگاه بر پرورش تفکر انتقادی تأکید شده است. از نظر ابن سینا حفظ مطالب بدون درک و فهم آنها ارزش چندانی ندارد. تسلط بر علوم مختلف نیز از آن جهت اهمیت دارد که مقدمه و زمینه پرورش قدرت تفکر است (داودی، ۱۳۹۲: ۱۶). در نظر ابن سینا، فضای نقادی در محیط یادگیری و پرهیز از مطیع بار آوردن انسان فرهیخته به عنوان یک ضرورت مورد تأکید قرار گرفته است (کاهانی مقدم، ۱۳۸۷). در سند هم در توصیف سیمای انسان مطلوب به مصادیق تفکر انتقادی از جمله پرسشگری و خلاق بودن اشاره شده است (سند: ۱۳۹۰) و بر این نکته تأکید شده است که در فراگیران اندیشه اقامه دلایل متقن و موجه نسبت به تفکر و رفتار به شیوه منسجم به وجود آوریم تا عقاید و اندیشه دیگران را نه به خاطر بار احساسی، بلکه با انسجام استدلال آنها ارزیابی کنند.

**۳-۲-۱-۵. مراحل تربیت:** ذیل مبانی انسان‌شناختی سند به چهار مرحله تربیت اشاره شده است. مرحله اول شامل دوره پیش‌دبستانی است، در این مرحله بر پرورش حواس و رشد جنبه‌های طبیعی کودک توجه شده است. در مرحله دوم که شامل دوره ابتدایی است، بر پرورش روحیه کار جمعی، مسئولیت‌پذیری و شناخت علائق شخصی توجه شده است. در مرحله سوم تربیت، که این مرحله حدوداً همزمان با رسیدن متریبان به بلوغ جنسی و معادل دوره متوسطه اول است، بر درک و شناخت مسائل شرعی، پرورش استعدادهاى فردی و توجه به تواناییها و مهارتها توجه شده است. در مرحله چهارم تربیت که شامل دوره متوسطه دوم است، بر ایجاد فرصتهای تربیتی متنوع برای رویارویی متریبان با مسائل پیچیده در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی، بر شکل‌گیری و تکوین و تعالی هویت فرد و کسب مهارتهای لازم جهت ورود به زندگی تأکید شده است (سند: ۳۵۳-۳۶۵).  
ذیل مبانی انسان‌شناختی سینیوی نیز مراحل تربیت انسان فرهیخته شامل تأدیب و بهسازی اخلاق کودک، تعلیم قرآن و معارف دینی، انتخاب حرفه و شغل متناسب با استعدادهاى فراگیر، پرداختن به کار و اشتغال و تشکیل خانواده است (تدبیر منزل: ۴۲-۳۵). در هر دو نظام تربیتی، توجه به تعلیم دینی و شرعی، توجه به مراحل رشد شناختی و جنبه‌های روان‌شناختی و کسب شایستگیها در تربیت انسان فرهیخته مورد توجه قرار گرفته است.

### ۳-۲-۲. تمایزات

**۳-۲-۱-۱. عقل:** درباره مبانی انسان‌شناختی سینیوی می‌توان گفت که او به انسان بیشتر از زاویه عقل می‌نگریسته و گوهر انسان را همان عقل او می‌دانسته است. انسان فرهیخته سینیوی، انسانی

است که عقل‌اش به کمال رسیده است و بر همه غرایز و همه قوا و نیروهای وجود غلبه می‌کند. انسانی که در فکر کردن به حد کمال رسیده است (الشفاء: ۳۷۱ - ۳۶۲).

صدیق (۱۳۳۲) می‌گوید: «بوعلی‌سینا انواع مختلف تربیت را توصیف می‌کند، اما مهم‌ترین آنها تربیت عقلی است که عبارت است از پرورش ذهن». در حالی که ذیل مبانی معرفت‌شناختی سند تحول در مبحث منابع و ابزار شناخت به آن این‌گونه اشاره شده است که تعقل به عنوان مهم‌ترین فعالیت آدمی است (سند: ۸۵). همین‌طور ذیل مبانی ارزش‌شناسی در مبحث اعتبار ارزشها به آن اشاره شده است که معیار ارزش، در درجه نخست حسن و قبح عقلی است، یعنی عقل می‌تواند ملاک خوبی و بدی افعال اختیاری آدمی را بشناسد (همان: ۸۹).

مقایسه هر دو دیدگاه در این مؤلفه نشان داد که تربیت عقلانی از نظر ابن‌سینا بسیار حائز اهمیت است. انسان فرهیخته سینوی انسانی به غایت عاقل است، اما در سند تربیت عقلانی در کنار سایر ساحتها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در سند عقلانیت-محوری ذیل ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی قرار گرفته است و اصالت دادن به تعقل، به عنوان اسکلت و محور تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی تلقی شده است (سند: ۳۰۰). انسان فرهیخته سند عقل خود را نیز در گستره اعتقادش قرار می‌دهد.

**۳-۲-۲-۲. اراده و اختیار:** ذیل مبانی انسان‌شناختی سند تحول، «دستیابی به اهداف امری آگاهانه و اختیاری است که مرتبط با اراده دانش‌آموز است و قرار است با ایجاد شناخت در مرتبه به‌آمادگی برای تحقق مراتب حیات طیبه در وی بینجامد» (سند: ۱۵۲)، اما، ذیل مبانی انسان‌شناختی سینوی، «تعیین سرنوشت انسان بر اساس نوع اعمال و رفتار او در دنیا» بیان شده است (الشفاء، الهیات؛ نفس: ۱۸۱). اهداف تربیت اموری الزامی و بایدی است که مریب نقش اساسی در تحقق بخشیدن به آن در رفتار و اعمال متربیبان دارد. در اندیشه سینوی، «مریبی باید علاوه بر انتقال دانش و معلومات، نیروی فکری متربیبی را پرورش دهد. در نظام فکری ابن‌سینا اراده و اختیار انسان به‌مثابه شرط ورود به استقلال فکری یاد شده است (رساله فی الاخلاق: ۳۷۳). پس به‌خلاف سند، استقلال فکر و نظر تنها به حیطة شناخت و بینش محدود نشده، بلکه دامنه آن به‌عمل گسترش می‌یابد. چنین انسانی از منظر ابن‌سینا دارای ویژگی استوار شخصیت است و از عقل خویش بهره می‌گیرد و کمتر تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می‌گیرد.

**۳-۲-۲-۳. ابعاد تربیت:** درباره مبانی معرفت‌شناسی سینوی می‌توان گفت که وی ضمن توجه به عقل به عنوان یک منبع شناخت اساسی انسان، تربیت عرفانی را در تربیت انسان فرهیخته پررنگ دیده است. او در نمط نهم و دهم کتاب ارزشمند «الاشارات و التنبیها» فلسفه را به عرفان پیوند زده و دیدگاههای فلسفی در باب هدف، لذت و سعادت را تلطیف کرده و به اتصال به عالم قدس و مقامات عارفان نزدیک ساخته و ارزش شایان توجهی را برای اهداف عرفانی قائل

شده است (الاشارات و التنبیها، ترجمه ملک‌شاهی، ۱۳۹۰: ۴۴۷). اما در سند با توجه بررسی مبانی معرفت‌شناسی می‌توان چنین استنباط کرد که به تربیت عرفانی توجه چندانی نشده است. تربیت انسان فرهیخته سند بیشتر معطوف و متمرکز بر توسعه وجه شناختی و ساحت اخلاقی و دینی است (سند: ۱۵۴). صرف توجه به یک بعد، موجب غفلت از ابعاد دیگر می‌شود. تقسیم‌بندی تربیت بر اساس شئون مختلف حیات طیبه تصور چندگانگی از چنین انسانی ایجاد می‌کند (همان: ۱۵۴). این موضوع می‌تواند باعث اغتشاش در ساحتها شود و موجب غفلت از بعضی از ابعاد مثل پرورش عقل و استدلال و سواد آموزشی باشد که ابن سینا بر آنها تأکید کرده است (زیباکلام، ۱۳۸۴: ۷۲).

۳-۲-۲-۴. جنسیت: با عنایت به شباهتهای حداکثری و اشتراک دو حیث زن و مرد، در سند سازگاری یکسانی برای تربیت هر دو جنس در نظر گرفته شده است (سند تحول: ۲۳۴-۲۳۳). با توجه به ویژگیهای بیان شده برای تربیت انسان فرهیخته ذیل مبانی انسان‌شناسی سند چنین استدلال می‌شود که زنان مشمول این آرمان نمی‌شوند. ذیل مبانی انسان‌شناسی سینیوی انسانها از نظر توان جسمی، قدرت فکری، میزان هوش و سطح استعداد با یکدیگر برابر نیستند (تدبیر منزل: ۴۵). ابن سینا برای تربیت زنان و مردان با توجه به ویژگیهای هریک از آنان، آموزشهایی را در نظر گرفته است. از نظر ابن سینا مردان بیشتر در کارهای خلاقانه و تولیدی و زنان بیشتر در کارهای بازتولیدی مشغول‌اند. در سند بحث تربیت جنسی به‌طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است.

۳-۲-۲-۵. دانش و معلومات: در مقام مقایسه این دو دیدگاه در زمینهٔ ویژگی دانش و معلومات انسان فرهیخته می‌توان گفت که ابن سینا به آموزش پزشکی، هندسه، منطق، طبیعات، الهیات، هیأت و موسیقی نیز به عنوان مواد آموزشی اشاره کرده است (دانشنامه علایی: ۱۴۴). در نگاه سینیوی علوم نظری جایگاه و منزلت بالاتری نسبت به علوم عملی دارد (الشفاء، الهیات: ۳). اما در سند به این موضوع پرداخته نشده است. ابن سینا در آثار خود تنها به برنامهٔ آموزشی خواص توجه داشته و به دیگر ابعاد محتوای آموزش چندان توجهی نکرده است (داودی، ۱۳۹۲: ۷۵). ولی در سند جریان تربیت با توجه به میزان و نحوهٔ شمول آن نسبت به افراد جامعه، به دو نوع اساسی تربیت عمومی و تخصصی تقسیم شده است (سند: ۱۶۲) و برای هر گروه از افراد جامعه، نخبگان و خواص و مردم عادی متناسب با توانمندی آنها مواد آموزشی در نظر گرفته شده و این از نکات مثبت سند تحول است. در جدول شماره ۱ به‌صورت خلاصه و جوه افتراق و اشتراک ویژگیهای انسان فرهیخته در سند تحول و دیدگاه ابن سینا نشان داده شده است.

## جدول ۱. مقایسه وجوه افتراق و اشتراک انسان فرهیخته در سند تحول و دیدگاه ابن‌سینا

ویژگیها	اشتراکات	ویژگیها	تفاوتها
نگرش غیرابزاری به دانش	● در هر دو دیدگاه، بر کسب شایستگیهای مفید و سودمند تأکید شده است. کسب دانش فی‌نفسه ارزشمند است و بسیاری از کارها به خاطر خود آنها انجام می‌شود.	عقل	● انسان فرهیخته سینوی، انسانی به غایت عاقل است، اما در سند تربیت عقلانی در کنار سایر ساحتها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.
حرفه‌آموزی	● در هر دو نگاه، انسان فرهیخته باید به حرفه مفید و موردنیاز جامعه پردازد و توجه به استعداد طبیعی و شایستگیهای لازم در تربیت حرفه‌ای مورد تأکید است.	اراده و اختیار	● در نظام فکری ابن‌سینا از اراده و اختیار انسان به‌مثابه شرط ورود به استقلال فکری یاد شده است. در سند استقلال فکر و نظر تنها به حیطه شناخت و بینش محدود شده است.
اجتماعی بودن	● آنچه ابن‌سینا درباره بعد اجتماعی گفته است با آنچه در سند در این باره گفته شده منطبق است. در هر دو دیدگاه هم فرد اهمیت دارد و هم جمع.	ابعاد تربیت	● در نگاه سینوی، تربیت عرفانی در تربیت انسان فرهیخته پررنگ دیده شده است، اما در سند به تربیت عرفانی توجه چندانی نشده است. تربیت انسان فرهیخته سند بیشتر متمرکز بر توسعه وجه شناختی و ساحت اخلاقی و دینی است.
تفکر انتقادی	● در هر دو دیدگاه بر پرورش تفکر انتقادی تأکید شده است. براساس تربیت سینوی حفظ مطالب بدون فهم آنها ارزش چندانی ندارد. در سند هم در توصیف سیمای انسان مطلوب به مصادیق تفکر انتقادی از جمله پرسشگری و خلاق بودن اشاره شده است.	جنسیت	● با عنایت به شباهتهای حداکثری و اشتراک دو حیث زن و مرد، در سند سازگاری یکسانی برای تربیت هر دو جنس در نظر گرفته شده است. از نظر ابن‌سینا مردان بیشتر در کارهای خلاقانه و تولیدی و زنان بیشتر در کارهای بازتولیدی مشغول‌اند.
مراحل تربیت	● در هر دو نظام تربیتی، توجه به تعالیم دینی و شرعی، توجه به مراحل رشد شناختی و جنبه‌های روان‌شناختی و کسب شایستگیها مورد توجه قرار گرفته است.	دانش و معلومات	● در نگاه سینوی علوم نظری منزلت بالاتری نسبت به علوم عملی دارد. اما در سند علوم عملی بیشتر مورد توجه است. ابن‌سینا در آثار خود تنها به برنامه آموزشی خواص توجه داشته است.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به‌دست آمده از این پژوهش می‌توان گفت مبانی فلسفی تربیت، ویژگیها و مختصات انسان فرهیخته سینوی و سند تحول در جایگاههایی متفاوت‌اند. انسان فرهیخته ابن‌سینا در چارچوب یا زمینه‌ای که در آن نظام فکری و فلسفی وی شکل گرفته است، معنا می‌یابد. یافته‌های به‌دست آمده نشان دادند که در حوزه هستی‌شناسی، ابن‌سینا مفهوم انسان فرهیخته

را با مفاهیمی چون خداوند به عنوان مبدأ هستی، حاکمیت نظام علیت بر جهان هستی و غایت‌مندی در نظام هستی در یک مجموعه می‌نگرد. در قلمرو معرفت‌شناسی او انسان فرهیخته را در گستره هستی می‌نگرد. وی در حوزه ارزش‌شناسی، تصویری که از انسان فرهیخته ارائه می‌دهد شامل موجودی دارای جمیع صفات و موجودی دارای اراده و اخلاق تغییرپذیر است. سرانجام در قلمرو انسان‌شناسی وی انسان فرهیخته را به منزله موجودی واجد اصالت روح، اجتماعی و برخوردار از عقل به تصویر می‌کشد. یافته‌های به‌دست آمده از مبانی فلسفی هستی‌شناسی انسان فرهیخته سند شامل مؤلفه‌های زیرند: جوهر هستی در جهان خداوند است؛ خداوند خالق جهان و مالک، مدبر و رب حقیقی همه موجودات عالم است. در حوزه مبانی معرفت‌شناسی، انسان توانایی شناخت را دارد، معرفت انسان نسبی است. حواس، عقل، شهود، وحی و الهام به‌عنوان ابزارهای شناخت انسان هستند. مبانی انسان‌شناسی انسان فرهیخته سند شامل مؤلفه‌های زیر است: انسان مخلوق خداوند و موجودی مرکب از جسم و روح است. انسان مجموعه‌ای از استعدادها و تواناییهاست. او موجودی اجتماعی است و دارای اراده و اختیار است. مباحث اساسی مبانی ارزش‌شناسی انسان فرهیخته سند شامل مؤلفه‌های زیر است: قرآن و آموزه‌های دینی، رهنمودها و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در تربیت چنین انسانی به‌عنوان منبع تعیین ارزشهاست.

یافته دیگر این پژوهش حاکی است که هر دو دیدگاه در مورد انسان فرهیخته دارای نقاط اشتراک‌اند. در هر دو دیدگاه داشتن نگرش غیرابزاری به دانش به‌عنوان یکی از ویژگیهای انسان فرهیخته مورد تأکید است. در هر دو نگاه، انسان فرهیخته باید به حرفه مفید پردازد و توجه به شایستگیهای لازم در تربیت حرفه‌ای مورد تأکید است. انسان فرهیخته سینوی هم مانند سند از این نظر دارای وجه اشتراک است. آنچه ابن‌سینا درباره بعد اجتماعی گفته است با آنچه در سند در این باره گفته شده منطبق‌اند. در هر دو دیدگاه تربیت اجتماعی به‌عنوان یکی دیگر از ویژگیهای انسان فرهیخته مورد تأکید است. در هر دو نظام تربیتی، توجه به تعالیم دینی و شرعی، توجه به مراحل رشد شناختی و جنبه‌های روان‌شناختی و کسب شایستگیها در تربیت انسان فرهیخته مورد توجه است.

نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که با وجود اشتراکاتی در هر دو دیدگاه در مورد انسان فرهیخته، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. مقایسه هر دو دیدگاه در مؤلفه تعقل نشان داد که انسان فرهیخته سینوی انسانی به‌غایت عاقل است، اما در سند تربیت عقلانی در کنار سایر ساحتها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بررسی هر دو دیدگاه در مؤلفه اراده و اختیار حاکی است که در سند دستیابی به اهداف، امری آگاهانه و اختیاری است، اما در نظام فکری سینوی از اراده و اختیار انسان به‌مثابه شرط ورود به استقلال فکری یاد شده است. مقایسه هر دو دیدگاه در مؤلفه ابعاد تربیت نشان داد که ابن‌سینا ضمن توجه به عقل، تربیت عرفانی را در تربیت انسان فرهیخته پررنگ دیده است، اما در سند به تربیت عرفانی توجه چندانی نشده است. در سند سازگاری یکسانی برای تربیت هر دو جنس در نظر گرفته شده است. ابن‌سینا

برای تربیت زنان و مردان با توجه به خصوصیات هر یک از آنان، آموزشهایی را در نظر گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی است که تربیت انسان فرهیخته در سند تحول، شباهتهای بسیار با تربیت انسان فرهیخته مورد نظر ابن سینا دارد. آنچه از مقایسه هر دو دیدگاه درباره تربیت انسان فرهیخته برداشت می‌شود، این است که نوعی هماهنگی فکری در بنیانهای نظری وجود دارد، اما نقاط متمایز، دلیل بر قصور سند نیست، بلکه این مقایسه و نقد می‌تواند یک سری دستاوردهایی را برای نظام آموزشی کشور داشته باشد.

در تبیین، تحلیل و تفسیر نتایج می‌توان گفت متریبان را نباید برای کسب منابع مادی، سود و لذت حسی در دنیا تربیت کرد، چراکه چنین تربیتی جامعه را به سوی نابسامانی سوق می‌دهد. در هر دو دیدگاه هدف تربیت تنویر ذهن و رها کردن آن از زمان و مکان خاص است. دانش و معلومات برای خودش و ارضای ذهن کسب می‌شود نه برای مقاصد بیرونی. سند و ابن سینا هر دو متفق القول اند که کسب فضایل یا ارزشها و دانش برای رسیدن به سعادت، مهم‌ترین اصل است. در شرایط کنونی عضویت هر متریبی در جامعه مستلزم آن است که او بتواند عهده‌دار حرفه‌ای خاص شود تا از این راه نیازهای اعضای جامعه تأمین شود. لذا نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران باید شرایطی فراهم کند تا فردی که تحت تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد بتواند استعدادهای بالقوه خود را شکوفا سازد و با دارا بودن آزادی و اختیار منطقی، فردی متدین، مؤمن و اندیشه‌ورز تربیت شود.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که ابن سینا در حکم یک فیلسوف ایرانی - اسلامی دارای ایده‌هایی بسیار خوب در حوزه تعلیم و تربیت بومی است و با وجود اینکه وی در قرن دهم می‌زیست ولی اندیشه‌های او قابل استنتاج‌اند تا براساس آنها تجویزاتی برای سند در حوزه انسان فرهیخته ارائه شود. مراجعه به سنت - دیدگاه سینوی - برای بهبود و ترمیم سند تحول است. البته مراجعه به آرای ابن سینا این پیام را در بر ندارد که سند تحول ملزم به انطباق شاکله نظری خود با انسان فرهیخته او بوده است. رویکرد ما در این پژوهش، رویکرد ایجابی است. از این رو، دغدغه اصلی این پژوهش کمک به برطرف شدن ایرادات سند تحول است. به کارگیری آرای تربیتی ابن سینا در نظام آموزشی ایران می‌تواند مکمل و تقویت‌کننده سند تحول باشد، زیرا بهره‌مندی از آرای تربیتی مربیان و فیلسوفانی مانند ابن سینا در نظام تربیتی ما، مسیر ترقی و تعالی جامعه تعلیم و تربیت را فراهم خواهد کرد.

- آهنچیان، محمدرضا. (۱۳۸۳). مقایسه فلسفه آموزش و پرورش اسلامی با فلسفه آموزش و پرورش مدرن. *مجله علوم انسانی* مصباح، ۵۰، ۴۱-۶۲.
- آهنچیان، محمدرضا و طاهرپور، محمدشریف. (۱۳۹۰). نشانه‌های مدرنیته در نظام آموزش و پرورش ایران. *مجله مهندسی فرهنگی*، ۵ (۵۳)، ۸-۲۶.
- ابن‌سینا، ابوعلی. (بی‌تا). *رسائل ابن‌سینا (رساله العرشیه)*. قم: انتشارات بیدار.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا). *رساله فی‌الاخلاق*. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۶۰۱۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۱۹). *تدبیر منزل*، ترجمه محمد نجمی‌زنجانی. تهران: انتشارات مجتمع ناشر کتاب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰). *دانشنامه علایی: منطق و فلسفه اولی*، تصحیح احمد خراسانی. تهران: کتابخانه فارابی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳). *المبدأ و المعاد*، به کوشش عبدالله نورانی. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران-دانشگاه مگ‌گیل.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). *برهان شفاء*، ترجمه مهدی قوام‌صفری. تهران: فکر روز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). *الهیات نجات*، ترجمه سید یحیی یثربی. تهران: انتشارات فکر روز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). *قانون در طب*، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی. تهران: معاونت پژوهشی وزارت بهداشت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *الإشارات و التنبیها*، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، جلد ۱ و ۲. تهران: سروش.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *مجموعه رسائل شیخ‌الرئیس ابن‌سینا*، تصحیح و تعلیق محمود طاهری. قم: آیت اشراق.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳). *ق. (۱) الإشارات و التنبیها*؛ به همراه شرح خواجه نصیرالدین طوسی و شرح قطب‌الدین رازی. قم: دفتر نشر کتاب.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴). *ق. (۲) التعلیقات*، به کوشش عبدالرحمن بدوی. تهران: مکتب الاعلام الاسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۵). *ق. (۳) الشفاء (الهیات، المنطق)*، تصدیر طه‌حسین پاشا. قم: مکتبه آیت‌الله‌المرعشی‌النجفی.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۵۳). *رساله فی‌العشق*، تحقیق حلمی ضیاء اولکن. استانبول: دانشکده ادبیات استانبول.
- اسفراینی‌نیشابوری، فخرالدین. (۱۳۸۳). *شرح کتاب النجاه ابن‌سینا*، قسم الالهیات. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- پیترز، ریچارد استنلی و هرست، پل هیوود. (۲۰۱۰). *منطق تربیت: تحلیل مفهوم تربیت از نگاه فلسفه تحلیلی*، ترجمه فرهاد کریمی (۱۳۸۹). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره. (۱۳۸۴). *رویکردهای فلاسفه اسلامی به نفس و دلالت‌های تربیتی آن* (ابن‌سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا). *نامه انسان‌شناسی*، ۴ (۷)، ۷-۲۷.
- حاتمی، حسین و حیدری، کبری. (۱۳۹۸). *بهداشت عمومی از دیدگاه پزشکی نیاکان* (ص. ۱۶-۴۵). در کتاب *جامع بهداشت عمومی*. تهران: انتشارات ارجمند.
- حکیم‌زاده، رضوان. (۱۳۸۷). *بررسی مبانی فلسفی برنامه آموزش جهانی و مقایسه آن با مبانی فلسفی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۴ (۳)، ۷۹-۱۰۴.
- داودی، محمد. (۱۳۹۲). *بررسی و نقد اهداف تعلیم و تربیت در حکمت سینایی*. *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۱، ۸۳-۱۰۲.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۶۷). *کلیات طرح تغییر بنیادین نظام آموزش و پرورش*.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). *کلیات طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش*.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، (سند مشهد مقدس). تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیته آموزش. (۱۳۸۹). اسناد پشتیبان نقشه جامع علمی کشور. راوندی، مرتضی. (۱۳۸۳). سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا. تهران: نشر نگاه.
- رفیعی، بهروز. (۱۳۹۲). مریدان بزرگ مسلمان. تهران: سمت.
- زیباکلام مفرد، فاطمه. (۱۳۷۹). فلسفه آموزش و پرورش از دیدگاه جان هنری نیومن. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۵ (۲)، ۱۶۱-۱۸۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). مکتب فلسفی لیبرالیسم آموزشی و اسلام. انتشارات مجتمع آموزشی و پژوهشی تفرش.
- زیباکلام مفرد، فاطمه و حیدری، سمیرا. (۱۳۸۷). بررسی دیدگاه ابن‌سینا در باب تعلیم و تربیت. مجله علمی-پژوهشی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳۸ (۳)، ۸۹-۱۱۳.
- سجادی، نرگس. (۱۳۹۳). تحلیل تطبیقی اسناد رسمی نگاشته‌شده در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۴ (۱)، ۲۹-۴۸.
- صدیق، عیسی. (۱۳۳۲). سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین. تهران: دانشگاه تهران.
- ضرغامی، سعید؛ سجادی، نرگس و قائدی، یحیی. (۱۳۹۰). الگوی نظری برنامه فلسفه برای کودکان در جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۵). روش‌شناسی مطالعات دینی. دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- کاردان، علیمحمد و همکاران. (۱۳۸۴). فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱. تهران: انتشارات سمت.
- کاهانی مقدم، کاظم. (۱۳۸۷). پژوهشی پیرامون تعلیم و تربیت در اندیشه بوعلی‌سینا و تطبیق آن با یافته‌های جدید. مشهد: انتشارات صبرا.
- مجتهدی، کریم. (۱۳۹۳). فرهیخته کیست؟ فرهیختگی چیست؟ روزنامه ایران، شماره ۵۶۳۴ به تاریخ ۱۳۹۳/۲/۱۰.
- مرزوقی، رحمت‌اله. (۱۳۹۴). نقد متدیک و تئوریک اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. تهران: آوای نور.
- معین، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی. جلد دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نامی، شمس. (۱۳۸۴). بررسی و نقد دیدگاه ریچارد استیل پیترز درباره فلسفه، مفهوم و هدف تعلیم و تربیت و انسان فرهیخته و تحلیل اهداف کلی تعلیم و تربیت اسلامی در چهارچوب آن. رساله دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۷). سه حکیم مسلمان، ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Al - Naqib, A. R. (1993). Avicenna. *Prospects*, XXIII(1/2), 53-69.

Barrow, R., & Woods, R. (2006). *An introduction to philosophy of education*. London: Routledge.

Mehrmohammadi, M. (2004). *Toward a new conception of the educated person*. Online Submission.